

تاثیر مدیریت آموزشی بر هوش معنوی و هوش هیجانی در بین دانش آموزان

ام البنین دانش رمودی^{۱*}

هانیه دانش رمودی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر مدیریت آموزشی بر هوش معنوی و هوش هیجانی در بین دانش آموزان است. این پژوهش از نوع همبستگی و جامعه مورد پژوهش عبارت است از کلیه دانش آموزان در پایه سوم راهنمایی مشغول به تحصیل بوده‌اند. نمونه شامل ۱۰۰ دانش آموز می‌باشد که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شدند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه هوش معنوی ناصری (۱۳۸۶) و پرسش‌نامه هوش هیجانی سبیریا شرینگک و مدیریت آموزشی استفاده شد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. برای تحلیل آماری داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ...) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌های پژوهش به شرح زیر است: مدیریت آموزشی بر هوش معنوی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. وجود دارد. مدیریت آموزشی بر هوش معنوی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی

مدیریت آموزشی، هوش معنوی، هوش هیجانی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران. نویسنده مسئول: (danesh136151@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران. (danesh8500@gmail.com)

مقدمه

امروز جهان در حال پیشرفت در هر زمینه مطالعاتی است، اما ما همچنان با بحران ارزش مواجه هستیم. علیرغم داشتن مدرک تحصیلی عالی، برخی افراد درگیر تروریسم بی رحمانه و سایر فعالیت های ضد اجتماعی هستند. مدارک تحصیلی یک فرد ارزش فرهنگی و شهروندی ایجاد نکرده است. این سطح پایین هوش معنوی را نشان می دهد. آنچه امروزه در دنیای معاصر کمبودش احساس می شود معنویت است. این خلا در جهان غرب بیشتر است. آنان در مادیات و از معنویات فاصله گرفته اند و در شهوات غوطه ور شده اند. در واقع یکی از بهترین راهها در برون رفت از این انحرافات، تغییر در دیدگاه افراد و مخصوصا دانش آموزان با تکیه بر مفاهیمی چون هوش معنوی است. آموزش و پرورش یک برکت برای بشریت است. تمام پیشرفت و رونق فرهنگ و تمدن بشر به دلیل آموزش و پرورش است. بدون آموزش، این جهان در یک تاریکی فکری قرار گرفته است. این جایی است که نقش آموزش اهمیت بیشتری پیدا می کند. مدیریت آموزش امروز در محدوده محیط اجتماعی پویا عمل می کند و هدف اصلی آن انتقال و تحریک دانش، مهارت ها و رفتارهای "مطلوب" دیگر در میان اعضای جامعه است (جرج و ویسوام، ۲۰۱۸).

هوش معنوی توانایی در هر انسان است که می تواند برای حل مشکلات و درک عمیق از مسائل مربوط به زندگی، ارزش ها و آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد. در مغز برخی از فرآیندهای عصبی وجود دارد که منجر به حل مشکل در بدن انسان می شود. هوش معنوی انگیزه افراد برای پیدا کردن روابط و متحد سازی است که درجات متفاوتی در افراد مختلف دارد. اگرچه مباحث مستقلی برای تاثیرگذاری هوش معنوی روی آموزش وجود ندارد ولی بسیاری از روانشناسان و متخصصان اجتماعی غیر مستقیم از تاثیر هوش معنوی در یادگیری حمایت می کنند. در مطالعات مختلف تاثیر هوش معنوی بر آموزش توسط نقش معلمان تأکید شده است. بدون شک در فرآیند آموزش باید همه شرایط و امکانات به نحو مطلوب فراهم باشد تا کار آموزش به بهترین شکل ممکن عملی شود. در این میان لازم است معلم با بهره گیری از مهارت ها و توانایی های فردی خود مسیر را برای آموزش مفید فراهم سازد. برخوردای وی از هوش معنوی این فرصت را فراهم می سازد تا در برخورد با دانش آموزان با صبر و حوصله بیشتر، انتقادپذیری بالا، کنترل به موقع احساسات و عواطف، کنترل خشم و عصبانیت و دیگر رفتارهایی که فرآیند آموزش را بهبودمی بخشد، موفقیت بیشتری داشته باشد (گرچی و ترکیان تبار، ۱۳۹۶). هوش معنوی به عنوان بالاترین هوش وجودی فرد، سبب ایجاد نگرشی جدید و مثبت در فرد نسبت به خود، دیگران و جهان پیرامون او می شود و می توان گفت که بالابودن هوش معنوی در فرد سبب می شود تا معلمان با نگاه مثبتی که نسبت به خودشان پیدا می کنند، بتوانند در حین انجام کار نیز مهارت های خود را به خوبی به کار بگیرند که بدین ترتیب هوش معنوی بالا، توانمندی بالای معلمان را همراه خواهد داشت (مهدیان، عبودپور و کوهدشت، ۱۳۹۶). همچنین معلمان با هوش معنوی بالا می توانند موجب پیشرفت در آموزش و پرورش دانش آموزان شوند. از طریق هوش معنوی بالا، اثربخشی معلمان بر دانش آموزان می تواند افزایش یابد و این امر آنها را قادر می سازد با گستره دیدی وسیعتر در زندگی شخصی و حرفه ای خود آموزش دهند.

مفهوم هوش معنوی

پس از تاریخ طولانی تحقیق، هنوز تعریف استاندارد از هوش معنوی وجود ندارد. این نشان می دهد که این مفهوم تقریباً توصیف شده است، اما نمی تواند به طور کامل تعریف شود. این پدیده توسط متخصصان و روانشناسان مختلف در زمینه های مختلف تعریف و اندازه گیری شده است. در بین تعاریف مختلفی که توسط متخصصان و روانشناسان مختلف

پیشنهاد شده، شباهت های بسیاری وجود دارد. این مشاهدات مختلف به ما امید می دهند که تعریف یکپارچه و جامع برای سیستم های دلخواه امکان پذیر باشد (بخشی، ۲۰۱۶). طبق نظر گاردنر (۱۹۹۹) این مفهوم تفسیرهای مختلفی را در بین فرهنگ های مختلف به وجود آورده است. کمک های گاردنر به بحث های اطلاعاتی و به ویژه تحقیقات کنونی بسیار مهم است. تحقیق مبتنی بر تجربیات او نه تنها شامل کودکان با استعداد و باهوش، بلکه بچه های معمولی و بزرگسالان و نیز افراد آسیب دیده مغزی را نیز در بر می گیرد. او نتیجه گیری می کند که اطلاعات را نمی توان به یک عدد در یک آزمون محدود کرد. به دلیل تعریف گسترده اش از انواع دیگر هوش، او جنبه متفاوتی از هوش به نام هوش معنوی را تعریف کرده است (بخشی، ۲۰۱۶). بیشترین مطالعات صورت گرفته در حوزه هوش معنوی مربوط به رابطه دین و معنویت با سلامت روان است. طبق پژوهش های انجام یافته بین معنویت با رضایت و هدفمندی زندگی، سلامت و بهزیستی رابطه مثبت وجود دارد، اما در چند سال اخیر، جنبه جدیدی از معنویت به نام هوش معنوی مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. هوش معنوی پارادایم جدیدی است که بعد از هوش چند گانه گاردنر که در سال ۱۸۹۳ در کتاب چارچوب های مغز آورده بود، ظاهر شد. سیسک و تورنس (۲۰۰۱) ریشه هوش معنوی را نوشته های باستان و عرفان شرق می دانند. آنها به تأثیر صوفیها، اسلام، بودا و نائویسم اشاره کرده اند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۵). مفهوم هوش معنوی که در دهه های اخیر مطرح شده است دربردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بارزترین سطوح رشد را در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و غیره شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می نماید (نقدی کلیشمی و همکاران، ۱۳۹۵).

هوش معنوی در نظام آموزشی

سیستم آموزشی به عنوان ستون فقرات هر جامعه متمدن شناخته می شود. بخش های جدایی ناپذیر هر سازمان آموزشی، منابع انسانی هستند که اجرای سیاست ها را تسهیل می کنند. مسلماً معلمان نقش مهمی در این امر ایفا می کنند. آنها نه تنها به عنوان راهنمایی برای کسب دانش عمل می کنند، بلکه ارزش های اجتماعی را به وجود می آورند و باورهای فرهنگی جامعه را تغییر می دهند. بر این اساس، موفقیت یا شکست هر نظام آموزشی در دستیابی به اهداف پیش بینی شده، به شدت بر توانایی و کیفیت معلمان بستگی دارد (رخساری و همکاران، ۱۳۹۶). هوش نقش مهمی در آموزش دارد. علاوه بر این، آموزش و پرورش راه ها و ابزارهایی برای دستیابی به پیشرفت هوش و قدرت فراهم می کند. رهبر اصلی این پروسه معلم است؛ بنابراین معلمان باید به اندازه کافی عاطفی و معنوی بالغ شوند تا با نیازهای معنوی دانش آموزان مقابله کنند معلمان بر شخصیت دانش آموزان تأثیر می گذارند. حوزه های احساسی، منطقی، اجتماعی و معنوی آنها تأثیر زیادی بر توسعه کودکان دارند. فقط معلمانی که از لحاظ معنوی هوشمند هستند، می توانند دانش آموزان را تشویق کنند. برآورد ابعاد آموزشی مهم، پایه ای برای ارزش گذاری موسسات آموزشی است (لینارس و لستر، ۲۰۱۹). برآورد آموزشی می تواند به عنوان یکی از مهمترین ارزیابی های آموزشی محسوب شود. به طور مداوم ارزیابی موفقیت تحصیلی دانش آموزان در دوران تحصیل و عوامل تحلیلی آن، یکی از پایه های مهم و قابل پیش بینی بهبود سیستم آموزشی، به ویژه در دانشگاه ها است. این امر با بهبود کیفیت آموزشی مواجه است و در نهایت اصلاح و بهبود کارآیی مدیران دانشگاهی را منجر خواهد شد (بختیارپور، ۲۰۱۹).

هوش هیجانی

هوش هیجانی شامل شناخت و کنترل عواطف و هیجان‌های خود و دیگران است؛ به عبارت دیگر، شخصی که هوش هیجانی بالایی دارد، سه مؤلفه هیجان‌ها را به طور موفقیت‌آمیزی با یکدیگر تلفیق می‌کند: مؤلفه شناختی، مؤلفه فیزیولوژیکی و مؤلفه رفتاری. متون علم مدیریت بر این باورند که رهبران و مدیران، با هوش‌های هیجانی بالاتر، توان بیشتری برای هدایت سازمان تحت کنترل‌شان دارند. یافته‌های جدید نشان می‌دهد کارکنانی که دارای وجدان کاری و احساس وظیفه‌شناسی بالایی هستند، اما فاقد هوش احساسی و اجتماعی‌اند، در مقایسه با کارکنان مشابهی که از هوش احساسی بالایی برخوردارند، عملکرد ضعیف‌تری دارند.

هوش هیجانی شامل توانایی‌هایی مثل انگیزه دادن به خود، پشتکار در شرایط دشواری و سرخوردگی، کنترل رفتارهای تکانشی، به تأخیر انداختن خواسته‌ها، تنظیم هیجانات، جلوگیری از غلبه‌ی استرس بر قدرت فکر کردن، همدلی با دیگران و امیدواری است. برخی منتقدین در نقد نخستین تعریف گلمن از هوش هیجانی گفته‌اند که او تقریباً همه‌ی دغدغه‌های روانشناسی شخصیت و نیز توصیه‌های اخلاق مسیحی را یک‌جا تحت عنوان هوش هیجانی مطرح کرد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع استفاده، کاربردی و با توجه به هدف، توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانش آموزان در پایه سوم راهنمایی بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۰۰ نفر بوده و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد استفاده شد؛ و در کل دارای ۴۳ سوال با پاسخ بسته و طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت با سطوح پاسخ «کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم» می‌باشد و برای اعتبارسنجی این پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که مقدار آن معادل ۹۲ درصد محاسبه گردید. تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS3 انجام شد. اعتبار و پایایی ابزار پژوهش به کمک تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ ارزیابی شد.

یافته‌های تحقیق

در این قسمت به بررسی توصیف متغیرهای تحقیق می‌پردازیم.

جدول ۲- بررسی آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانه	مد	چولگی	کشدگی	کمینه	بیشینه
مدیریت آموزشی	۳/۳۷	۰/۹۰۶	۳/۵۰	۴	-۰/۱۰۹	-۰/۷۸۸	۱/۵۰	۵
هوش معنوی	۳/۳۹	۰/۸۸۵	۳/۵۰	۳/۷۵	-۰/۲۹۱	-۰/۶۳۷	۱/۲۵	۵
هوش هیجانی	۳/۳۱	۰/۷۴۷	۳/۲۵	۴	-۰/۱۲۱	-۰/۲۳۴	۱/۵۰	۵

بررسی نرمال بودن متغیرها

جدول ۳- نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیر	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون K-S	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدیریت آموزشی	۱۰۰	۳/۳۷	۰/۹۰۶	۱/۹۵۵	۰/۰۰۱	نرمال نیست
هوش معنوی	۱۰۰	۳/۳۹	۰/۸۸۵	۱/۶۳۹	۰/۰۰۹	نرمال نیست
هوش هیجانی	۱۰۰	۳/۴۸	۰/۷۴۹	۱/۸۲۳	۰/۰۰۳	نرمال نیست

همانطور که از داده‌های جدول بالا مشخص است، سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرهای پژوهش کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه تمامی متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر دارای توزیع غیر نرمال می‌باشند.

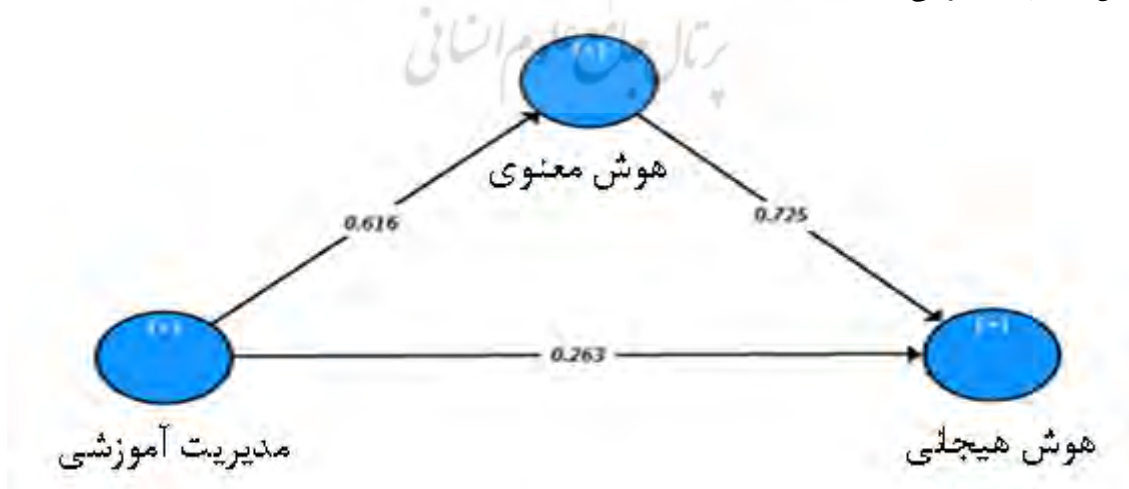
جدول ۴- AVE و همبستگی بین متغیرهای پرسشنامه تحقیق

شاخص‌ها	مدیریت آموزشی	هوش معنوی	هوش هیجانی
مدیریت آموزشی	۰,۸۴۷		
هوش معنوی	۰,۵۴۳	۰,۷۶۸	
هوش هیجانی	۰,۵۲۴	۰,۴۳۴	۰,۸۴۳

همانطور که از داده‌های جدول بالا مشخص است، جذر میانگین واریانس استخراج شده برای هر متغیر بیشتر از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها است؛ بنابراین روایی تشخیصی پرسشنامه تحقیق مورد تایید است.

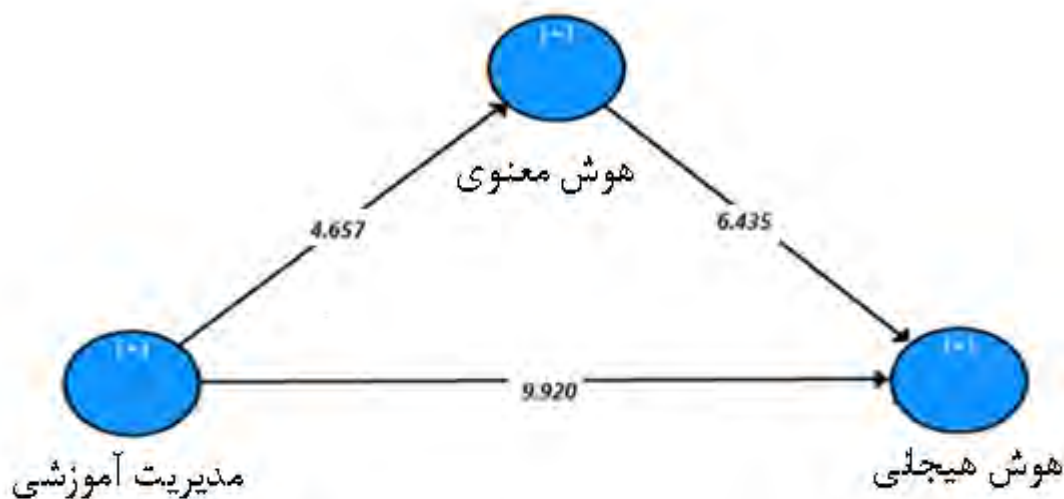
آزمون مدل ساختاری پژوهش

پس از بررسی مدل اندازه‌گیری، نوبت به بررسی و آزمون مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. خروجی گرافیکی مدل پژوهش به صورت زیر می‌باشد.



شکل ۱- ضرایب مسیر استاندارد مدل مفهومی پژوهش

اعداد نوشته شده بر روی مسیرها ضرایب مسیر را نمایش می‌دهد. برای آزمون معناداری ضرایب مسیر با استفاده از روش بوت استراپ^۱ مقادیر آزمون تی-استیودنت محاسبه شده است. مقادیر آزمون تی-استیودنت اگر مقداری بزرگتر از ۱/۹۶ باشد، ضریب مسیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است.



شکل ۲- نتایج آزمون تی-استیودنت برای بررسی معناداری ضرایب مسیر

نتیجه گیری و بحث

با توجه به بررسی داده‌های تحقیق نتایج بررسی فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: مدیریت آموزشی بر هوش معنوی در بین دانش آموزان تاثیر دارد.

آماره معنی‌داری بین متغیر مدیریت آموزشی و هوش معنوی برابر (۴/۶۵۷) می‌باشد که بزرگتر از مقدار (۱/۹۶) است و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان مدیریت آموزشی و هوش معنوی در سطح اطمینان (۰/۹۵) معنی‌دار است. همچنین ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (۰/۶۱۶) است و میزان تاثیر مثبت متغیر مدیریت آموزشی بر هوش معنوی را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر یک واحد تغییر در مدیریت آموزشی، موجب افزایش ۰/۶۱۶ واحدی در هوش معنوی خواهد شد. این بدان معناست که مدیریت آموزشی بر هوش معنوی در بین دانش آموزان تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه دوم: مدیریت آموزشی بر هوش هیجانی در بین دانش آموزان تاثیر دارد.

آماره معنی‌داری بین متغیر مدیریت آموزشی و هوش هیجانی برابر (۹/۹۲۰) می‌باشد که بزرگتر از مقدار (۱/۹۶) است و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان مدیریت آموزشی و هوش هیجانی در سطح اطمینان (۰/۹۵) معنی‌دار است. همچنین ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (۰/۲۶۳) است و میزان تاثیر مثبت متغیر مدیریت آموزشی بر هوش هیجانی را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر یک واحد تغییر در مدیریت آموزشی، موجب افزایش ۰/۲۶۳ واحدی در هوش هیجانی خواهد شد. این بدان معناست که مدیریت آموزشی بر هوش هیجانی در بین دانش آموزان تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه سوم: هوش معنوی بر هوش هیجانی در بین دانش آموزان تاثیر دارد.

آماره معنی‌داری بین متغیر هوش معنوی و هوش هیجانی برابر (۶/۴۳۵) می‌باشد که بزرگتر از مقدار (۱/۹۶) است و نشان‌دهنده این است که ارتباط میان هوش معنوی و هوش هیجانی در سطح اطمینان (۰/۹۵) معنی‌دار است. همچنین

¹ Bootstrapping

ضریب مسیر مابین این دو متغیر برابر (۰/۷۲۵) است و میزان تأثیر مثبت متغیر هوش معنوی بر هوش هیجانی را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر یک واحد تغییر در هوش معنوی، موجب افزایش ۰/۷۲۵ واحدی در هوش هیجانی خواهد شد. این بدان معناست که هوش معنوی بر هوش هیجانی در بین دانش آموزان تأثیر مستقیم دارد.

نتایج بدست آمده حاکی از ارتباط موثر و تأثیرگذاری مدیریت آموزش بر هوش معنوی و هوش هیجانی می باشد. با توجه به نتایجی که در این تحقیق و بررسی متغیرها در نمونه اماری بدست آمد می توان پیشنهاد نمود که در تحقیقات آینده عوامل دیگری که بر مدیریت آموزشی نقش اساسی ایفا می نمایند را مورد بررسی قرار دهند.

منابع

رخساری، سیاوش. حسینی فاطمی، آذر، پیش قدم، رضا. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت شغلی و تعهد سازمانی مدرسین هیئت علمی و غیرهیئت علمی دانشگاه ها در رشته های زبان انگلیسی: روش تلفیقی (کمی و کیفی). پایان نامه رشته آموزش زبان انگلیسی. دانشگاه فردوسی مشهد

گرگی، رضا، منصور ترکیان تبار، (۱۳۹۶). هوش معنوی و نقش آن در اخلاق حرفه ای معلمان، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت، مرتضوی.

منصوری، رضا. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مؤلفه های هوش معنوی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع دبیرستان. فصلنامه ی مرکز مطالعات و توسعه ی آموزش جندی شاپور. ویژه نامه ۹۵. صص ۷۵-۸

مهدیان، محمدجعفر. عبودپور، ملوک، کوهدشت، رضا. (۱۳۹۶). رابطه رهبری معنوی و هوش معنوی با توانمندسازی معلمان. دوفصلنامه علمی ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. سال پنجم. شماره ۲، ۹-۲۴.

نقدی کلیشمی، محسن، و کیلی، نجمه، کردستانی، فرشته. (۱۳۹۵). بررسی رابطه میان هوش معنوی و خودآگاهی و خود کنترلی دانش آموزان متوسطه آموزش و پرورش منطقه یک تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

Bakhshi, M. (2016). Spiritual Intelligence and its Role in Education. JIEB-4. Islamic Azad University, Amol, Iran

Bakhtiarpor, S. (2019). Predicting the students' academic achievement based on the Intelligence quotient, academic experiences, and demographic variables in the university. Psychology, 5 (26), pp. 81-94.

George, R. & Visvam, S. (2018). Spiritual Intelligence, its correlation with Teacher Effectiveness and Academic achievement – A Study. International Journal of Education and Psychological Research (IJEPR), Volume 2, Issue 2, pp: 106-110.

Leenaars, L., & Lester, D. (2019). Perfectionism, depression, and academic performance. Psychology, 9, 41-42.

The effect of educational management on spiritual intelligence and emotional intelligence among students

Umm alBanin Danesh Ramroudi ^{*1}
Haniyeh Danesh Ramroudi ²

Date of Receipt: 2022/04/07 Date of Issue: 2022/05/18

Abstract

The aim of this study was to investigate the effect of educational management on spiritual intelligence and emotional intelligence among students. This is a correlational study and the study population is all students in the third grade of middle school. The sample consisted of 100 students who were selected by cluster sampling. In order to collect information, the Naseri Spiritual Intelligence Questionnaire (2007) and the Siberian Shrink Emotional Intelligence Questionnaire and Educational Management were used. The research method in this research is descriptive and correlational. For statistical analysis of research data, descriptive statistics (mean, standard deviation, etc.) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient) were used. The results of research data analysis are as follows: Educational management has a significant relationship on students' spiritual intelligence. Educational management has a significant relationship on students' spiritual intelligence.

Keywords

Educational Management, Spiritual Intelligence, Emotional Intelligence

1. Corresponding Author: Master of Educational Management, Islamic Azad University, Zahedan Branch (Email: danesh136151@gmail.com)
2. Master of Educational Management, Islamic Azad University, Zahedan Branch (Email: danesh8500@gmail.com)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی